



رضا مستقیم

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۴/۷/۴

مصاحبه کننده: سیدمصطفی هاشمی یرکی

دانشکده: شیمی

سال ورود: ۱۳۴۵



- از ورودتان به دانشگاه بگوئید و اینکه در آن زمان دانشگاه چه وضعیتی داشت؟

۱۰ شهریور ۱۳۴۵ وارد دانشگاه شدم. آن روزها وضعیت مدیریتی دانشگاه شبیه سربازخانه بود. یعنی وقتی وارد دانشگاه می‌شدیم، کارت‌هایمان به سینه بود و حضور و غایب می‌شدیم. شنبه‌ها ساعت ۸ وقت امتحان دانشجویان بود و با هر استادی که دیرتر از آن ساعت وارد دانشگاه می‌شد برخورد می‌کردند. من شاهد برخوردهای دکتر مجتهدی با یکی از استادان گروه فیزیک بودم.

بیشتر دانشجویان سال اول از دبیرستان البرز، تعدادی از شهرستان و برخی هم از دیگر دبیرستان‌های تهران بودند. ولی همه در زمره محصلان خوب و نخبه قرار داشتند. دانشگاه به صورت موقتی در سه ساختمان مستقر شد که از آموزش و پرورش گرفته بودند. در ساختمان اول که هنوز هست مدیریت و آزمایشگاه گروه فیزیک قرار داشت. چاپخانه در زیرزمین و آزمایشگاه‌های شیمی در طبقه اول آن، مستقر بود. در ساختمان روبه‌رو که ۲ طبقه بیشتر نبود؛ گروه‌های شیمی، فیزیک و ریاضی و استادان هر گروه در یک اطاق به صورت جمعی کار می‌کردند. هدف دانشگاه تربیت مهندسانی بود که سطح علمی بالایی داشته باشند و این‌طور هم شد. فارغ‌التحصیلان دوره اول خوب درخشیدند.

- مهم‌ترین فعالیت شما در زمان تصدی دانشکده چه بود؟

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، رئیس دانشکده شیمی شدم. با فرمان حضرت امام دانشگاه‌ها بازگشایی شده بود. ولی اغلب استادان به خارج رفته و تعداد اندکی در ایران باقی مانده بودند. عمده کار من، جذب استادان از دیگر دانشگاه‌ها به صورت حق‌التدریس بود و اگر عشق به امام، انقلاب و اسلام نبود هرگز موفق نمی‌شدیم. کار به صورت شبانه‌روزی انجام می‌گرفت. آن زمان چون کشور عزیزمان، مورد تهاجم صدام قرار گرفته بود یکی از کارهای جهاددانشگاهی در دانشکده، کمک رساندن به جبهه‌ها بود. بنابراین مدیریت دانشکده هم سخت درگیر مسئله دفاعی بود. لازم است بگویم زمانی که صدام دانشگاه را مورد اصابت موشک قرار داد (چون فهمیده بود در دانشکده شیمی جهاد ۲ دانشکده به طور جدی در جنگ شرکت دارند) موشک جلوی دانشکده به زمین اصابت کرد. در محل اصابت به صورت

بسم الله الرحمن الرحیم
کتابخانه تخصصی
موسسه تخصصی
فقه و حدیث
موسسه تخصصی
فقه و حدیث



مخروط واژگون به عمق چند متر و شعاع ۶ متر گودالی به وجود آمده بود. هفتاد در اتاق و آزمایشگاه‌های شیمی و مکانیک و متالوژی از جا کنده شده بود. موج انفجار پنجره‌های ضلع شمالی را هم کند و دستگاه‌های علمی از روی میز به زمین افتاده بود.

• آیا کسی هم آسیب دید؟

خوشبختانه این اصابت در انتهای سه‌روز تعطیلی دانشگاه بود و کسی آسیب ندید. ناگفته نماند، شدت به‌حدی بود که علاوه بر دانشکده شیمی، همه پنجره‌های خانه‌های روستای طرشت خرد شدند. و بعد از این تهاجم، کلاس‌های درس در هتل استقلال برگزار می‌شد. یک طبقه از هتل را اجاره کرده بودند و با تغییر جزئی کلاس‌ها برقرار می‌شد و هرگز به خاطر جنگ درس و دانشگاه تعطیل نشد.

قرار شد در دانشگاه پناهگاه بسازیم. سه پناهگاه، اولی جلوی دانشکده شیمی، دومی جلوی ساختمان مجتهدی و سومی جلوی دانشکده برق. علاوه بر درس و مشق، دانشگاه شرکت در مسائل جنگ را هم با جدیت پیگیری می‌کرد.

• اوایل چه مشکلاتی در دانشگاه وجود داشت؟

در سال دوم برای جبران کم‌جایی و مکان‌های آموزشی، ساختمان مجتهدی در مدت ۱۰ ماه ساخته شد که در نوع ساخت و ساز یک معجزه بود. می‌گفتند به تعداد آجر کارگر هم بود. همچنین سوله‌ها را ساختند و به سرعت تجهیز کردند. مرحوم مهندس پیروزنیا خیلی زود، دستگاه‌های تراش و سایر وسایل ابزار را نصب کرد و آماده خدمت به دانشجویان شد. در ساختمان مجتهدی، مرحوم مهندس نیاش دفتر و اطاق‌های رسم فنی را ترتیب داد. دکتر سیاوش مهنا، رئیس دانشکده شیمی، برنامه درسی و مدیریت دانشکده را پی‌ریزی می‌کرد. درس شیمی عمومی را دکتر فریدون معطر و تمرین توسط اینجانب ارائه می‌شد. کتابی هم در مورد تمرین شیمی چاپ شد. آزمایشگاه‌ها نیز توسط مرحوم مهندس کیوان شاه‌کامرانی، علی اکبر سیف‌کردی، رحیم زمانیان، یونس گلخروی، ابوالقاسم مسعود و اردشیر منتظری ارائه می‌شد. گروه فیزیک توسط دکتر فیروز پرتوی و گروه ریاضی - اگر اشتباه نکنم - توسط دکتر خالصی‌زاده اداره می‌شد. من از مدیریت فعلی دانشگاه می‌خواهم



هر از گاهی از آقایان و اولین مسئولان دانشگاه یادی کنند. در بخش آموزش از آقای مهدویان، مسئولان تربیت بدنی آقای مقدسیان و همه دوستان و همچنین از مسئولان اولیه عمران و مکانیک که زحمات زیادی متحمل شدند یادی شود.

• ریاست‌های بعد از دکتر مجتهدی کدام یک موفق‌تر بودند؟

بعد از دکتر مجتهدی، پرفسور رضا را که مقیم امریکا بود به دانشگاه دعوت کردند ولی مدت زیادی در دانشگاه باقی نماند. بعد دکتر امین به دانشگاه آمد که به‌حق، ایشان زحماتی زیاد کشید و چارت مدیریتی دانشگاه را شکل داد. پس از ایشان، دکتر نصر ریاست دانشگاه را به‌عهده داشت. سپس دکتر زرغامی و پرفسور مهران و در حین انقلاب نیز مرحوم دکتر حسینعلی انواری، همگی به اندازه توان خود به دانشگاه خدمت کردند، ولی دکتر امین و دکتر زرغامی کارهای اساسی را انجام دادند. از استادانی که زحمات زیادی برای انقلاب و جبهه و جنگ کشیدند باید نام برده‌که آقای عیسی خیر و محمدجواد سهلانی و محمد حسینی کارگر نوینی از جمله این افراد بودند. البته بازهم افراد دیگری هستند که حضور ذهن ندارم.

• به‌نظرتان اگر دانشگاه هیات امنایی اداره شود خوب است یا نه؟

البته اداره دانشگاه در سطح کلان اگر هیات امنایی باشد خوب است ولی اعضا هیات امناء باید درست انتخاب شود. اگر در هیات امناء از وزرا و افرادی که در صنعت دست دارند، اتاق بازرگانی و افراد دانشگاهی حضور داشته باشند، اداره هیات امنایی دانشگاه، قوی و خوب خواهد بود. من وقتی مسئول دانشگاهی بودم یکی از اعضا هیات امناء بود که خیلی مسائل را حل می‌کرد.

• وضع آزمایشگاه‌ها در مقایسه با گذشته چطور است؟

به علت تحریم‌ها که مدت زیادی طول کشیده، آزمایشگاه‌ها بسیار زیاد ضعیف شده است. با داشتن تحصیلات تکمیلی، مرادی به کارشناسان نمی‌ماند. در دوره اول هرچه



می‌خواستیم در اسرع وقت تهیه می‌شد. یادم می‌آید از ۱۰ شهریور ۴۵ تا شروع کار دانشگاه یعنی ۱۱ آبان همان سال انبارهای شیمی مملو از مواد و وسایل می‌شدند.

• **به‌نظر شما ضعف مدیریت الان در چیست که دانشجویان امروزی، نه می‌خواهند زحمتی بکشند، نه کار تبلیغاتی انجام دهند؟**

به‌نظرم نظام کلی آموزش عالی، ضعیف است و یکی از مصادیق آن این است که دانشگاه‌های زیادی سال‌ها رئیس نداشتند و با سرپرست اداره می‌شدند. وزیر علوم، پزشک است آیا در میان استادان باسواد و انقلابی کسی برای این سمت در کابینه دولت پیدا نمی‌شود. یا این‌که، به چه دلیل، این همه دانشگاه‌های غیرانتفاعی شکل گرفته‌است. چند نفر باهم شریک می‌شوند و ساختمانی اجاره می‌کنند. دانشجو می‌گیرند و اسم‌اش را دانشگاه می‌گذارند. یک بازنگری جدی لازم است. امسال دیدیم که افت داوطلب کنکور داشتیم. یعنی صندلی‌های دانشگاه خالی است. پس دیگر به دانشگاه انتفاعی نیازی نیست تا در فارغ‌التحصیلان این نوع دانشگاه توقعی ایجاد شود.

• **ارتباط با صنعت چگونه است؟**

پیش از انقلاب اصلاً خوب نبود. به جز چند صنعت مثل نفت و کمی پتروشیمی و دیگر صنایع ضعیف، این ارتباط با دیگر صنایع، جدی نبود. پس از انقلاب هم کار فرهنگی نشد. اکنون عشق به مردم و ترس از خدا کم‌رنگ شده‌است. اغلب به سوی کار تقلب در بعضی از کارخانه‌های لبنیات، آب‌میوه، روغن‌های نباتی و خودرو رفتند. با این همه معضلات، من درباره ارتباط صنعت و دانشگاه‌ها دیدگاه دیگری را مطرح می‌کنم. در این دیدگاه، وزرات‌خانه، دانشگاه‌های نوع سوم را تعریف می‌کند. یعنی ابتدا دانشگاه‌ها حالت آموزشی داشتند و بعد دانشگاه‌ها پژوهش‌محور شدند و حالا دانشگاه را فن‌آوران تعریف می‌کنند.

به نظرم برای رسیدن به این مرحله باید ارتباط با صنعت، دانشگاه‌ها را تا معاونت دانشگاه ارتقا بدهند. و این معاونت برای تحصیلات تکمیلی رشته‌های فنی مهندسی و نظایر، برنامه‌ریزی کند تا دانشجویان در ترم آخر، وقتشان را در صنایع بگذارند. در آنجا با مطالعه کار آتی واحدهای صنعت، از ماندن دیگ بخار و راکتورها و کاتالیست‌ها و ارائه نظریه و



خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها، پایان‌نامه خود را به آخر برساند. این اتفاقی است که با تحقق، آن هم صنعت و دانشگاه از نتایجش استفاده خواهد کرد.

این روش قبل انقلاب برای رشته شیمی اجرا شده ولی آن موقع تحصیلات تکمیلی در دانشگاه نبود. باید یادآوری شود که این روش در دانشگاه‌های علوم پزشکی همیشه اجرا می‌شود. البته باید از زحمات مسئولان دفتر ارتباط با صنعت دانشگاه، قدردانی شود چون در حد توان و قوانین و زیر ساخت‌ها بازهم خوب کار کردند.

• می‌شود سطح علمی دانشکده را با دیگر دانشکده‌ها مقایسه کرد؟

دانشکده شیمی الان بیشترین هیات علمی با رتبه استادی را دارد. این نشان می‌دهد که فعالیت علمی خوبی در دانشکده شیمی انجام می‌شود. در زمان مدیریت اینجانب دکتر محمد محمودی هاشمی، دکتر پورجوادی، دکتر محمد رضا غلامی و دکتر داوود بقایی، لطف کردند و به دانشکده ملحق شدند. همه پیشرفت را مدیون این آقایان می‌دانم و دیگر استادان هم تا به امروز همه باعث پیشرفت شده‌اند. آقایان دکتر معطرتهرانی و دکتر ارشدی و مرحوم دکتر ترپوگوسیان و دکتر نجفی از قبل و بعد انقلاب از فعالان دانشکده بودند.